

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

یکی از علاقه مندان پورتال مبارز «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان»

ژنیو - ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۰

نفرین بر عاملین توطئه علیه آبرو و شرف ملت ما!

متصدیان ارجمند پورتال ملی - مردمی «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» سلام!

امید از سلامت کامل برخوردار باشید. خواستم در رابطه به موضوعی به شما بنویسم که هرافغان باشرافت و حائز اوصاف نیک اخلاقی و انسانی را به غیظ آورده و برای دفاع از غرور ملی فرامی خواند. و آن بلند ساختن تبلیغات و نمایش راپورتاژ در رسانه های غربی در مورد ترویج عمل شنیع و اکراه آور همجنس بازی «قومندانان جهادی» و تجاوز جنسی بر پسران نابالغ می باشد. با وجودیکه از همان لحظه آگاهی از آن گزارش تصویری نحس و اکراه آور، دچار خشم و تنفر بیدار بوده ام، مصروفیت های ناگزیر فرصت رقم زدن این سطور را به تعویق انداخت. عمل نهایت پست و دور از کرامت انسانی «بچه بازی» در بعضی نقاط افغانستان در گذشته توجه غربی ها را به خود جلب نموده بود ولی از آنجائیکه متأسفانه آن انحراف اخلاقی امروز در جوامع غرب «تکامل آداب و رسوم» جا زده می شود و از زمانیکه «مؤسسه صحتی جهان» همجنس بازی را از ردیف بیماری عقلی به «حق تمایل آزاد جنسی» ارتقاء داده، آشکار ساختن بیشتر آن انحراف زننده فوق العاده تعمیم یافته که تا اندازه ای قابل تعجب هم نیست زیرا هر قدر افراد همجنس بازی به مدارج بالای دولتی و اجتماعی رسیده اند، به همان اندازه در صدد عادی و نامود ساختن و کاملاً «اخلاقی» جلوه دادن همجنس بازی برآمده اند. امروز به گونه مثال، شاروال پاریس و یکی از وزرای برحال انگلستان همجنس بازی را مشهور هستند. به همین ترتیب، عده ای از هنرمندان و هنرپیشه های مشهور فلم که مسلماً برای توجیه شیوه زیست جنسی خود، از هیچ وسیله ای (به خصوص با وسیله ساختن هنر و محبوبیت ناشی از آن) در اجتماع دریغ نخواهند کرد. و به همین گونه در بسیاری کشورهای دیگر غربی که در آنجا ازدواج مرد با مرد و زن با زن را قانونی ساخته اند. در عین حال، ذهنیت عامه شرطی ساخته شده غرب هم گوسفندوار به تأیید و تبلیغ آن نوع زیست شنیع و اکراه آور پرداخته به صدها هزار نفر در مراسم رقص مشمئزکننده آنها سالانه به جاده ها می ریزند و ابلهانه به پاکوبی می پردازند.

در حالیکه توده های محروم و خلق های زیرستم استعمار در دنیا برای رسیدن به حقوق اولیه انسانی خود به صدها هزار قربانی می دهند و هنوز هم بیرحمانه آماج تیر نظام های فاشیستی قرار می گیرند، حقوق همجنس بازی را نه تنها داوطلبانه توسط آن نظام ها برای شان مطرح می گردد بلکه «همدردی» با آنها هم گویا جزء «اخلاق» است

و اظهارنفرت علنی در برابر آنها به نام «هوموفوبی» (به سان «آنتی سیمیتیزم» یا نفرت از صهیونیسم) مورد پیگرد قانونی هم قرار میگیرد. پس اظهار انزجار در برابر همجنس بازی در مجامع غربی، «عقب ماندگی اجتماعی» و نامود شده و به فرد متنفّر از آن، به دیده مجرم نگریسته می شود! آنچه به هیچ وجه نمی تواند اغماض شود و تلاش تهوع آور همجنس بازان موجب شده که در یکی دو کشور جهان به آن «حق» برسند، اجازه «به فرزندی گرفتن» اطفال معصوم می باشد که از شنیدن آن انسان دچار بیم و وحشت می شود. این انکشاف در روند نفرت انگیز همان تعمیم هدفمند همجنس بازی می باشد که متأسفانه دول «متمدن» غربی از طریق معارف نقش خائنانه ای در آن بازی می نمایند و شیوع فساد اخلاق از نوع همجنس بازی را در جوامع غرب تسهیل می نمایند. ولی در عین حال، حکومت غرب - به حق - به ضد «پیدوفیلی» (سوء استفاده جنسی از کودکان و اطفال خردسال) هم برمی خیزند که سیاست خیلی پسندیده و مطابق با اخلاق یک اجتماع واقعاً انسانی می باشد. اما در بحث حاضر، سؤال در این است که چرا در مورد پدیده همجنس بازی توأم با سوء استفاده از پسران سیزده و چارده ساله در افغانستان سکوت صورت می گیرد؟ نه سخن از «پیدوفیلی» است و نه هم از بریاد دادن حیات اطفال افغانستان! کشورهای «متمدن» که با قوای نظامی متجاوز، از نزدیک به ده سال به این سو کشور مارا به اشغال در آورده اند و هر آن دم از «آزادی» و «دموکراسی» و «اعاده حقوق مردم» می زنند، در تمام این مدت بر ازدواج های جبری و بیرحمانه دختران کمتر از سن ده سال با مردان چهل ساله و پنجاه ساله و شاید هم بیشتر، چشم پوشیدند (صفحات انترنیت از آن پراست)؛ و حال، به یکبارگی «بچه بازی» را به عنوان «عنعنه!!!» افغانها به دنیا معرفی می نمایند. نفرین به دشمنان مردم ما که بعد از کشتار عزیزان شان، تخریب کاشانه و کشتزارهای شان و اشغال کشورشان، حال برای ملوث ساختن نام شان در دنیا و به لجن کشاندن حرمت و آبروی شان دست به توطئه می زنند.

عمل شنیع «بچه بازی» که در گذشته اکثراً پنهانی وجود داشت و همواره مورد نفرت و انزجار به حق مردم واقع شده است، به یک بارگی از مدتی به این سو در مناطق شمال افغانستان علناً در حلقهات با نفوذ «جهادی» های سابق اینبار علناً رواج یافته و همزمان با آن انعکاس آن در داخل و خارج کشور صورت می گیرد. این میدان دادن به یک عمل نهایت کریه (چه عملی می تواند کریه تر و نفرت انگیز تر از مقاربت جنسی دو فرد عین جنس باشد؟) و انزجار آور تصادفی نبوده بلکه طرح سرهم بندی شده برای روی صحنه آوردن دوباره طالبان در صفحات شمال کشور می باشد. گویا طالبان ضد همجنس بازی می باشند و بازگشت آنها به این روش غیر اخلاقی پایان خواهد داد! این را باید خوش باوران از خود سؤال کنند که طالبان «وقتی به خلوت می روند...» چها می کنند؟ ولی تا جاییکه نظرات صائب یک هموطن خبیرما حکم می کند، طرح از جانب انگلیس ها است که در رقابت با امریکائی ها قوای طالبان را به سمت شمال انتقال داده اند تا نه تنها سیاست «پنهانی» خود در ضدیت با امریکا را توسعه بخشند بلکه در عین حال، «قطعه» طالب را باز هم در بازی خونین اشغال و سرکوب به ضد مردم ما به کار گیرند. برمی گردم به موضوع پخش راپورتاژ «بچه بازی» در مطبوعات غرب.

از چند روز به این طرف تلویزیون سویس فرانسوی زبان TSR، بخشی از گزارش تهیه شده توسط خبرنگاران شان در رابطه با انتخابات شورا در افغانستان را با اعلان و مقدمه ها و بزرگسازای پخش می کند. ولی شب پنجشنبه ۱۶ سپتمبر متعاقب گزارش و پیش از آنکه اخبار خاتمه یابد، نطق اظهار داشت که موضوع افغانستان کمی بعد تر در برنامه «تان پخیزان» (عصر حاضر) ادامه خواهد یافت. انتظار به این بود که موضوع انتخابات شورائی در آن برنامه مفصلتر مطرح شود. ولی زمانیکه بخش دوم برنامه «تان پخیزان» راجع به افغانستان آغاز گردید، پی برده شد که چه توهینی به ملت ما صورت می گیرد.

شخصی به نام نجیب الله «قریشی» که گویا ژورنالیست مجرب و شناخته شده است ، با برقراری تماس با یک قومندان سابق جهادی و با رفتن و ملاقات وی در ولایت تخار ، گزارش مفصلی از چگونگی همجنس بازی وی و همسلکان رقیبش در جنایت سوء استفاده از پسران نابالغ تهیه نموده است.

در آن گزارش ، عادی و بدون شرم صحبت کردن قومندان «جهادی» و هم سلکانش و شیوه لباس زنانه پوشاندن پسران توسط آنها برای رقص ، بی نهایت زننده و تکانه‌دهنده می باشد ، به خصوص اینکه پسران (در ظاهر یادر واقعیت؟) از «زندگی» خود راضی می باشند... بعداً یکی دوتای از آن «برده های جنسی» از بد رفتاری و تهدید «صاحبان» شان در مقابل آنها یادآور شده و یک تن خواهان مصاحبه تنها با گزارشگر می شود. در ختم راپورتاژ ، جریان تهدید یک «بچه بی ریش» توسط همجنس بازان رقیب (مسلح - جهادی - پولیس برحال) بیان شده و تصاویر جسد آن پسر به نمایش گذاشته شدند. مصاحبه خبرنگار با برادر و مادر (از پشت چادری) مقتول در منزل شان، هم این وجه تکانه‌دهنده غیبت شرم و خجلت را با خود داشت که انکارناپذیرترین ثبوت تعمیم و عادی جلوه دادن فساد اخلاقی همجنس بازی با اطفال می باشد. اکثراً دلیل آن پدیده شوم ، غربت و فقر مفرط مردم و انمود می شود. این به تنهایی کافی نیست توجیه اوجگیری و تبلیغ آن انحراف و فساد اخلاقی باشد. در غیر آن ، در گذشته ها همه مردمان فقیر سرزمین ما بایست «پسر فروش» می بودند که در آن صورت افغانستان کشوری می بود مانند تایلند که به «سیاحت جنسی» در دنیا شهرت بد یافته است.

باز هم علت این شیوع فساد و جنایت را که مستقیماً آبرو و حیثیت فرد فرد افغان را تهدید می نماید باید در سیاست دولت دست نشاندۀ بیگانگان و اهداف اعتراف نشده آنها جستجو نمود. نجیب الله «قریشی» علاوه بر تهیه راپورتاژ در ولایت تخار ، در بازار های کابل هم به فلم برداری پرداخته است. وی فلم های «بچه بازی» را از فروشندگان دوره گرد در مرکز کابل خریداری نمود. آیا ممکن است که چنین تجارت ننگین یعنی عرضه نمودن آزاد جنایات جنگ سالاران در حق پسران نابالغ در زیر ریش دولت ، بدون وقوف مقامات صورت گیرد؟ مگر واضح تر ازین می شود پخش رسمی و آزاد انحراف اخلاقی و بدکاری را شاهد بود؟ نطابق تلویزیون سویس در رابطه اظهار می نماید که دولت از موضوع مطلع است ولی بر آن چشم می پوشد. این خود نشان می دهد که آغشته شدن مردم (به خصوص نسل های آینده و جوان کشور) به هر آن گندی که بتواند توجه شان را از مسأله اشغال کشور و اعمال ظلم و استبداد بر مردم و تاراج کشور دور سازد ، برای دولت دشت نشاندۀ مهاجمین و متجاوزین حکم « آب حیات» را دارد.

از جانب دیگر ، هموطنان مطلع اند که آن قومندان «جهادی» همجنس باز در تخار که مورد حمایت پولیس قرار داشته و به اساس ادعای خودش هر لحظه ای که خواسته باشد ، صد نفر پولیس مسلح برای حفظ جان و امثالش حاضر ساخته می شوند ، از همان قماش جنگ سالارانی اند که در مقامات کلیدی دولت «کرزی» حضور داشته و در قدرت (اطاعت از بیگانگان و تعدی بر مردم) سهیم می باشند. مگر نه چنین است که برادر «کرزی» و جاسوس شناخته شده سی. آی. ای. یکی از قدرتمندترین «گادفادر» ها (سرکرده) مافیای موادمخدر می باشد؟

چیز دیگری که مایه تنفر و هم تمسخر است اینکه همان قومندان جهادی که می گوید بابیشتر از دوهزار پسر نابالغ همخواهی داشته است ، در حال نماز خواندن در مسجد نشان داده می شود... اسلام که عمل پست لواطت را صریحاً تقبیح و منع کرده است ، چطور لواطت کار معلوم الحال را در مسجد می پذیرد؟ البته با آگاهی از اینکه هر روز افتضاح بیوفیلی همتاهای کاتولیک ملاها در روزنامه های غرب برملا می شود ، این مسأله هم قابل تعجب نمی باشد. مدارس دینی طالبان (گویا مخالفین سرسخت همجنس بازی) احتمالاً لانه چنین تناوب گناه و «توبه» خواهد بود. مگر این مسؤولیت وجدانی آنهایی است که خود را مسلمانان صادق و پیروان راستین اخلاق انسانی می دانند تا

سکوت ننموده و علیه این فجایع قد علم نموده نگذارند که بیش از این اسلام اعتقادی شان وسیله پیشبرد فساد اخلاق و تجاوز بر اطفال معصوم قرار بگیرد. راپورتاژ نشان می دهد که فردی جاه کش برای شکار نمودن پسران نابالغ آزادانه در بازاری در سمت شمال به تجسس می پردازد... که احتمالاً گذرگام های پلیدش در دوروبر مسجد هم خواهد بود. آنچه در ضمن سؤال برانگیز است ، دلچسپی مطبوعات سویس به پخش آن گزارش می باشد. یک کشوری که ادعای بیطرفی سیاسی دارد ، عملاً دیده می شود که مطبوعات دولتی آن تبلیغات به نفع طرح های استعماری متکی بر فساد اخلاق و سوء استفاده از اطفال نابالغ را در یک مملکت جنگ زده و مردم جفا دیده آن ، بزرگ ساخته و آگاهانه به توهین یک ملت می پردازد. سویس کشوری است که افتخار جدی ترین سیاست پیگرد «بیوفیل» ها (متجاوزین جنسی بر اطفال) و تطبیق شدیدترین مجازات را دارد. چگونه ممکن است که با آن سیاست پسندیده و انسانی ، خود تجاوز بر اطفال در افغانستان را تشویق نموده و مبلغ رضاکاران باشد؟

به عنوان افراد با شرافت افغان که مرگ راصدها مرتبه بر توهین و اهانت به آبرو و حیثیت خود و ملت خود ترجیح می دهیم ، آیا حاضریم که بدنای و اهانت به خود و ملت خود را با نظاره گری شرم آور بدون واکنش بگذاریم؟ آیا ممکن است از افغان بودن خود احساس خجلت کنیم؟ هرگز! ولی نگذاریم دشمنان به جای ملت سربلند و با افتخار ، ملت ما را به مردمان مثل فساد اخلاق ، همدست عاملان کردار غیر بشری و برباد دهندگان حیات نوباوگان دیار خود شان ، و یک ملت سرافکنده و مورد نفرت جهانیان مبدل سازند.

شبکه های جاسوسی غرب در افغانستان ، اشغالگران فاشیست که حامیان مستقیم و غیر مستقیم همجنس بازان «جهادی» و بیوفیل های معلوم الحال اند و سیاستمداران شرفباخته ممالک متجاوز ، همه و همه در صدد شکستن غرور ملی افغانها اند؛ کشاندن مردم به فقر مفرط مادی همین هدف را دنبال می کند تا در اثرائتوانی اقتصادی توانفرسا و بیچارگی در سیر نمودن شکم های اعضای خانواده خود ، وادار به تن دادن به هر پستی شوند. آنگاه که مردم بی آبرو و بی عزت شدند ، تجاوز بر آنها - در همه اشکال آن - به امر قبول شده توسط خود آنها تعبیر خواهد شد. ترویج فحشاء و فجایع قوای امریکائی در ویتنام و دیگر جاها مگر غیر از این بود؟

به گواهی تاریخ پر شکوه سرزمین ما ، مردمان این خطه قرن ها با شرافت زیسته و با وجود بدترین شرایط فقر مادی و بدبختی های تحمیلی جنگ های تجاوزی ، هیچگاه نگذاشته اند تا دشمن آزادی و شرف شان در خاک آبائی شان دم راحت زده و اهداف شوم خود را تا آخر به ثمر رسانند. امروز چگونه است که با همان فقر مادی مزمن ، اینبار به فروش پسران نابالغ خود تن می دهند. نه! این توطئه سرهم بندی شده فقط مشتی از خائنین به مردم و وطن ، دهاره ای از دزدان «جهادی» شرفباخته و فاسد اخلاق را در برمی گیرد که با تکیه بر ثروت بادآورده و تاراج مردم ، با تکیه بر سلاح ، با تکیه بر دولت مزدور دست نشانده اشغالگران و با تکیه بر مافیای مخدره و روابط خصوصی با غریبان خزیده در افغانستان را در برمی گیرد نه قاطبه ملت شرافتمند و زنجیر شکن ما را که بارها گورکن امپراتوری ها در افغانستان بوده اند ؛ و اینبار هم با ایتار جان و مال خود - با خط فاصل کشیدن با طالبان جاهل و مزدور بیگانگان - گورکن امپراتوری استعمار امریکا و متحدین آن خواهند بود.

خانواده شریفی از افغان های مقیم سویس با اطلاع از اقتضای راپورتاژ ننگین و اهانتبارنجیب الله «قریشی» که در فرانسوی «لی پتی دانسوغ دی گیغی افغان» (رقاص های کوچک جنگجویان افغان) عنوان یافته است ، با غیظ و نفرت خواستند اعتراض و خشم خود را به مسئولین تلویزیون سویس ابراز بدارند ولی در انترنیت قادر نشدند آدرس الکترونیکی تلویزیون را بیابند. آنها به این آدرس خشم خود را به مقامات رسانده اند که ظاهراً مجرای درست بوده است:

من از جمله هموطنان شرافتمند و با حیثیت مقیم سوئیس و دیگر جاها التجاء می نمایم تا در دفاع از حیثیت و شرافت ملت خود قد علم نموده و نگذارند جواسیس و اشخاص مشکوک با همکاری مثنی جنایتکار بدنام و مفسد فی الارض ، در راه انداختن تبلیغات سوء علیه ملت مظلوم ما ید طولاً داشته به غرور ملی و سرفرازی تاریخی ما لطمه وارد نموده و بر آن لجن بپاشند. به عنوان فرد و هم به عنوان ملت ، هر خساره ای ممکن برای اجتماع ما جبران پذیر باشد به جز از آبروی بر باد رفته:

آبست آبرو که ناید به جویبار از تشنگی بمیر و مریز آبروی خویش

هموطنان شرافتمند ما می توانند از طریق آدرس الکترونیکی بالا و یا هم دیگر آدرس های دقیق تر و هم طرق مخابراتی دست داشته شان ، فریاد خشم و اعتراض خود را به مقامات سوئسی (و دیگر کشورهای ذیدخل) برسانند و دین ملی و وجدانی خود را در برابر مردم ستمدیده و مظلوم افغانستان که بعد از شکنجه ، تاراج ، محرومیت ، اهانت و کشتار ، اینک به حیثیت و آبروی شان هم معامله ننگین صورت می گیرد ، ادا نمایند. غفلت در این امر و اغماض ، فرد فرد جامعه افغانی در خارج از کشور را به مضمون تمسخر ، توهین و حتا اهانت مستقیم توسط غربی ها و اشخاص مغرض و ضد آزادی و سربلندی ملت ما مبدل خواهد نمود.

در عین حال ، از گردانندگان محترم ، مبارز و شرافتمند پورتال وزین «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» مصرانه تمنا دارم که در رابطه با این افتضاح شرم آور که ممکن است در انظار عناصر سطحی نگر و بی خبر در جهان ، مجموع ملت ما را متهم به بدکاری و جنایت سازد ، موقف مردمی و قاطع خود را همانطوری که بارها ابراز نموده اند ، به دفاع از مردم ستمدیده ما و حفظ آبرو و حیثیت مجموع افغانها مسجل سازند. جا دارد تا صفحه ای در پورتال برای نشر اعتراضات و خشم به حق مردم در رابطه با افتضاح طراحی شده توسط بیگانگان ، باز شده و جبهه ای از اینسو هم به ضد دشمن آتش گشاید.

با تجدید احترامات قلبی و آرزوی اعاده حیثیت و آبروی ملی ما!

نوت : من آدرس الکترونیکی دیگر سایت های افغانها را ندارم. هرگاه هموطنان بتوانند این نوشته را به آنها سایت های محترم برسانند ، بیش از حد ممنون خواهم شد.

پیادداشت:

هموطن نهایت ارجمند و آزاده، سلام ها و احترامات همکاران تخنیک پورتال را تقدیم می داریم. ما نامه ارسالی تان را نشر نمودیم و پیشنهاد تان را نیز خدمت متصدیان پورتال ارسال داشتیم. به یقین آنها در زمینه مواضع شان را به صراحت اعلام خواهند داشت. مگر تا آنگاه، ضمن ابراز امتنان از همکاری شما هموطن آزاده، باید بیفزائیم که از دید ما هر عملی که یک انسان را به مثابه یک جنس تقلیل شأن داده و وی را قابل خرید و فروش می سازد، به شدت محکوم می باشد. به خصوص وقتی چنین عملی اطفال معصوم و نوجوانان جامعه اعم از پسر و یا دختر را ،

که در واقع اساسی ترین و بی دفاع ترین قربانیان جنگهای تجاوزکارانه و امپریالیستی می باشند، شامل گردد،
سخت ترین و ضد انسانی ترین اعمال دانسته و با انزجار قیاس ناپذیری آنرا محکوم می نمایم.
از آن گذشته تا جائیکه ما از سیاست نشراتی پورتال مطلع هستیم، متصدیان پورتال هیچ گاهی صدای عدالت
خواهانه و انسانی خوانندگان را بی جواب نمی گذارد. در نتیجه هرگاه خوانندگان پورتال اراده نمایند که با
همکاری، افشاءگری و اعتراض گسترده شان در چنین نبردی پیشقدم گردند، می توانند مطمئن باشند، که متصدیان
پورتال هیچ مشکلی در جهت افتتاح صفحه مورد نظر نخواهند داشت.

موفق و کامگار باشید

همکاران تخنیکی پورتال AA-AA